

آثار و نتایج جنگ‌های صلیبی

دکتر علیرضا روحی میرآبادی^۱

بهاره رشتی^۲

چکیده:

این مقاله به بررسی نتایج و پیامدهای جنگ‌های صلیبی اشاره دارد. یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین برخوردها میان شرق و غرب بروز جنگ‌های صلیبی بوده است که نزدیک به دو قرن ادامه یافت که محدوده‌ی زمانی آن مربوط است به اواخر قرن‌های ۵ تا ۷ قمری/ ۱۱ تا ۱۳ میلادی و مکان آن مربوط است به سرزمین‌های اروپای غربی، اروپای شرقی و آسیای صغیر و نوار شرقی دریای مدیترانه و فلسطین و شام و مصر. اصلی‌ترین دلیل یا بهانه برای این حرکت اعلام تقدس بیت‌المقدس است و مقابر و امکنه‌ای که در آنجا وجود داشتند. حال آنکه در عمل، دلایل غیر مذهبی و اقتصادی و سیاسی بر دلایل دینی مرجح گردیدند. پژوهشگران نتایج به دست آمده را به چند بخش تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: نتایج اقتصادی، علمی و ادبی، اجتماعی و سیاسی. جنگ‌های صلیبی دارای نتایجی بود که ناخواسته حاصل شدند بدون اینکه پاپ‌ها و پادشاهان و امپراتوران، آنها را خواسته باشند. تقریباً به هیچکدام از اهداف خود دست نیافتند و در پایان کلیسا همان قدر آسیب دید که فتودال‌ها، مردم نیز فقیرتر از گذشته شده بودند. اما نتایج مثبت جنگ‌های صلیبی علی‌رغم کشته‌ها و تخریب‌هایی که به وجود آورد، رواج شهرنشینی و نفوذ علوم و ادبیات و هنر اسلامی در غرب بوده است.

واژگان کلیدی: جنگ‌های صلیبی، نتایج آن، مسلمانان، رواج بورژوازی.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته‌ی تاریخ، گرایش تاریخ عمومی جهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

روابط شرق و غرب در طول تاریخ به صورت‌های مختلف، پیوسته وجود داشته است. جنگ نیز اغلب برای فتح سرزمین‌ها و تملک ثروت به پا بوده است. یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین برخوردها میان شرق و غرب بروز جنگ‌های صلیبی بوده است که نزدیک به دو قرن ادامه یافت. میلیون‌ها کشته به جا گذاشت و خانواده‌های زیادی را برای همیشه داغدار کرد و از میان برد. سرنوشت مردمی که در جنگ شرکت داشتند با آن‌ها که در خانه‌ی خود زندگی می‌کردند و در شهرهای عکا، صور، صیدا، انطاکیه، اورشلیم، بیت‌المقدس، قسطنطنیه و قونیّه ساکن بودند، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی و کافر، به مؤثرترین وجه ممکن در کشتار و نابسامانی و درگیری و غارت گذشت. حتّی مسلمانان که اغلب پیروز بودند از زحمت‌ها و رنج حملات در سکوت و آرامش به سر نمی‌بردند. در مورد وجه تسمیه‌ی جنگ‌های صلیبی عقاید نسبتاً متفاوتی نوشته شده است. ولز معتقد است به دلیل آنکه در دست جنگجویان، صلیب مقدّس قرار داشت و آن را در جنگ‌ها همراه خود به عنوان مهمترین نشانه و پرچم حمل می‌کردند به این نام مشهور شد. وجه تسمیه‌ی دیگر مربوط می‌شود به شورای کلرمون (کلرمون). این شورا در نوامبر سال ۱۹۰۵م به دستور و توسّط پاپ اوربن دوم تشکیل گردید. او بیش از دویست نفر از اسقف‌های بلند پایه را دعوت کرد. از آنجا که محلّ دعوت او در کلرمون فرانسه بوده است، شورای آنان به کلرمون شهرت پیدا کرد، او ابتدا به مسائل کلیّ نظیر جنگ و موعظه در مورد وظایف مسیحیان و روزهای تحریم جنگ و امور اخلاقی و اقتصادی پرداخت. سپس از ظلم و ستم مسلمانان یاد کرد که چگونه مانع می‌شوند تا زوّار مسیحی به مزار مقدّس و اورشلیم بروند. بعد از بد رفتاری مسلمانان با اماکن مقدّس مسیحیان صحبت کرد. بنابراین پطروس راهب، به تقلید از حضرت مسیح سوار بر الاغ شد و دستور داد که با پارچه‌های رنگین، مخصوصاً به رنگ

قرمز صلیب درست کردند «و بر سینه و پشت و پیراهن خود دوختند» و به سمت مشرق هجوم آوردند. به همین دلیل جنگ صلیبی لقب گرفت. اما تعبیر دیگر آن است که چون به جنگ غرب و شرق جنبه‌ی مذهبی و دینی داده شد نام آن را جنگ‌های صلیبی و نوعی جهاد نهادند. در میان مورخان اروپایی وجه تسمیه‌ی جنگ‌های صلیبی با عبارت‌های متفاوتی نوشته شده است. برای نمونه ویلیام دوم امزبری که معتقد است پس از سخنرانی اوربانوس نوایی در میان حاضرین با زمزمه شروع شد و رفته رفته بلندتر شد تا آنجا رسید که همه یک صدا فریاد زدند «چنین است اراده‌ی خداوند» و در همان موقع تمامی حاضران از «فقر و غنی و نجیب زاده و رعیت، سوگند وفاداری یاد کردند». سپس ادامه داد که «ناگهان بعضی از نجبا در برابر پاپ زانو زدند و خود و اموال خود را وقف به خداوند کردند». آنها برای تأکید بر پیمان و عهدشان «بر پیراهن‌ها و شل‌ها و بیرق‌ها و پرچم‌های خویش تکه پارچه‌ای به شکل صلیب دوختند. آنها هم چنین نقش صلیب را بر زره و جوشن خود می‌انداختند.» نقش و علامت صلیب که بر روی سپر و شمشیر و لباس و پرچم آنها نقش بسته بود سبب گردید که به آنها لقب صلیبیون بدهند. آغازگر جنگ‌های صلیبی شخص اوربان دوم است. او در موقعیتی دشوار که کلیسا در برخورد با هانری چهارم گرفتار شده بود مجبور شد ایده‌ی جنگ‌های صلیبی را مورد بررسی قرار دهد. پیش از آغاز جنگ‌های صلیبی دو مجمع یا نشست مهم در میان بزرگان آئین مسیح برگزار شد. یکی از آنها که از اهمیت کمتری برخوردار است توسط محققان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شاید از این جهت که کمتر نیز اثر داشته است. این شورا در سال ۱۰۹۵ در شهر بالاسانس ایتالیا با حضور پاپ و نماینده‌ی امپراتوری روم شرقی برگزار شد. قرار بود که حکم جهاد بر علیه مسلمانان صادر شود اما از آنجا که هانری چهارم امپراتور آلمانی با پاپ درافتاده بود و دستورات و نصایح پاپ را مورد اهمیت قرار نمی‌داد، در نهایت به درگیری پاپ با هانری چهارم تبدیل شد. پاپ اوربان دوم در همان سال اعلام کرد که شورایی در کلرمون بر پا شود.

ده روز تمام از ۱۸ تا ۲۸ نوامبر، بیش از دولیت اسقف عالی مقام در صومعه کلرمون واقع در فرانسه گرد هم آمدند و بحث و تبادل نظر کردند. پاپ ابتدا در مورد روزها و ماه‌های حرام و بدی جنگ و تحریم‌های جنگ سخن گفت. سپس از ظلم مسلمانان بر علیه زائران مسیحی گفتگو کرد. از بی‌حرمتی به مزار مقدس و از اینکه چرا باید مکان‌های مقدس مسیحیان در دست مسلمانانی باشد که به جان و مال زوار مسیحی رحم نمی‌کنند. در مجموع از دلایل شکل‌گیری جنگ‌های صلیبی می‌توان نا کار آمدی حکومت‌های فئودالی و محلی در مناطق اروپایی، نابسامانی و تشّت در امپراتوری بیزانس، اختلاف بین پاپ به عنوان مرجع اصلی روحانیت کاتولیک در ایتالیا با پادشاهان سرکش، اختلاف بین روحانیون اروپای غربی و روحانیون و بطریق‌ها در امپراتوری بیزانس، اختلاف بین مذهب کاتولیک در غرب با ارتدوکس در شرق، اختلاف در میان فئودال‌ها با اشراف و روحانیون و ناکارآمدی فئودالیسم در اداره جامعه غربی، بروز فقر، بیماری‌های فراگیر، بیکاری در اروپا و قدرت طلبی روحانیون کلیسا به ویژه پاپ، وجود مزار مسیح در میان مراکز قدرت مسلمانان، پیشروی مسلمانان به سمت کشورهای غربی از سه طریق: اسپانیا، آسیای صغیر و جنوب اروپا یا شمال دریای مدیترانه و جزایر سیسیل و کرت و نهایتاً آرزوی پاپ برای تسلط بر شرق به بهانه‌ی توسعه‌ی مسیحیت و رهایی بیت‌المقدس از دست مسلمانان. در پشت این اهداف سیاسی و مذهبی، هدف مهم‌تر دیگری یعنی بسط تجارت و تملک بر بازرگانی شرق و غرب نهفته بود که موارد اخیر مورد تأیید تاریخ‌نگاران و پژوهشگران نیز قرار دارد. عمده‌ترین جنگ‌های صلیبی نه شماره است اما بعضی از مورخان آن را به بیش از نه جنگ هم رسانده‌اند. هر جنگی که واقع شده به عنوان یک جنگ بزرگ ارزیابی شده است. حال آنکه بعضی از مورخان مثل فیلیپ هیتی این تقسیم بندی را مردود شمرده است. علت این سخن نیز آن بوده که مابین بعضی از جنگ‌ها چندان فاصله‌ای نبوده که هر کدام از آنها را بشود یک جنگ مستقل ارزیابی کرد. به همین منظور این تقسیم‌بندی

را مناسب ندیده است. در تقسیم‌بندی جنگ‌ها باید دیده شود که ملاک و میزان تقسیم‌بندی چیست؟ تاریخ وقوع جنگ در چه زمانی است؟ لقب آن از نظر منطقه‌ی جنگی، دستاوردهای جنگ، مناطق فتح شده، تعداد سربازان و نیروهای درگیر در جنگ یا اثر و نتیجه جنگ چیست؟ ارزیابی دقیق از این مسأله در میان پژوهشگران به درستی انجام نگرفته و کار تقسیم‌بندی جنگ را با مشکلات بعدی مواجه می‌سازد. کاسمینسکی در توضیحات خود نسبت به جنگ‌های صلیبی، فقط از چهار جنگ بزرگ نام برده است. اوا مارچ تاپن نیز در ضمن شرح خلاصه‌ای از جنگ‌های صلیبی با دیدگاهی انتقادی نسبت به عملکرد مسیحیت، به ویژه به واسطه‌ی آنکه کودکان و نوجوانان را به مبارزه علیه مسلمانان به میدان نبرد کشاندند، از چهار جنگ بزرگ یاد کرده است. اما ممتحن به طور مشخص ۸ جنگ صلیبی را در کتاب خود به شرح و تفصیل پرداخته است. هم‌چنین است نوشته‌ای از آنتونی وست و ولز.

به این ترتیب مسأله‌ی تقسیم‌بندی جنگ‌های صلیبی از دیدگاه مورخان خود به نتیجه‌ی واحدی که مورد قبول همگانی قرار داشته باشد، دست نیافته است. اهمیت اصلی جنگ‌های صلیبی در جنگ اول می‌باشد یعنی برخورد میان دو دنیای بزرگ اسلام و مسیحیت. دلیل جنگ اول کمک به بیزانس و باز پس‌گیری اماکن متبرکه بوده است. اما کم‌کم کمک به بیزانس اهمیت خود را در طول جنگ‌های صلیبی از دست داد و مسیر لشکر کشی‌های بعدی تغییر کرد. در جنگ اول مسیر قسطنطنیه است و در جنگ دوم و سوم در همین مسیر باقی ماند ولی از جنگ چهارم ایده‌ی جنگ‌های صلیبی تغییر پیدا کرده و این امر منجر به تصرف قسطنطنیه و سقوط آن شد. ابتدا ممکن است که توجه صلیبیون به شرق مدیترانه مرکز خلافت بغداد بوده باشد ولی به تدریج از جنگ سوم دیده می‌شود که با پیدا شدن صلاح‌الدین ایوبی مرکز فعالیت‌های عالم اسلامی به مصر منتقل شده و حرکات صلیبی که از خشکی آغاز می‌شود از طریق آسیای صغیر به دریا کشیده می‌شود و آنها متوجه شرق مدیترانه و مصر می‌شوند تا اینکه به تدریج این

حرکت متوجه شمال افریقا شده و در جنگ‌های پنجم تا هفتم که به افریقا ختم خواهد شد. وسعت، طول مدت، عوامل گوناگون مؤثر و اقشار و طبقات مختلفی که در جنگ‌های دراز مدت صلیبی شرکت داشتند، سبب گردید که نتایج به دست آمده از آن نیز با وسعت و عمق زیادی مطرح شود. پژوهشگران نتایج به دست آمده را به چند بخش تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: نتایج اقتصادی، علمی، ادبی، اجتماعی، و سیاسی. هر کدام از این نتایج شامل چندین محور و موضوع می‌شوند. به طور کلی فرهنگ‌های مسیحی و اسلامی دو بار با یکدیگر برخورد جدی کردند که بار اول مربوط به سال ۷۱۱ میلادی و هنگام گسترش اسلام بود و بار دوم مربوط به جنگ‌های صلیبی. بار اول مسلمانان مهاجم بودند و مسیحیان دفاع می‌کردند، حال آنکه بار دوم مسیحیان مهاجم بودند و مسلمانان دفاع می‌کردند. اما در زمان‌های ممکن، مسلمانان نیز دست به حمله می‌زدند. در هر دو نوبت علی‌رغم آن که جنگ و پیروزی مسأله‌ی اصلی بوده اما به ناچار به تأثیر و نفوذ بخش‌هایی از علوم، صنایع، هنرها، اغذیه و عادات و آداب، منجر می‌شده است. کارل. ل. بکر معتقد است که جنگ‌های صلیبی فقط جنگ مذهبی نبود. هر کدام از جنگ‌ها ویژگی خاص خود را داشت. «نجیب زادگان جاه طلب به صلیبی‌ها پیوستند تا شکوه و حشمت خود را افزایش دهند». پادشاهان به دنبال تیول‌های بیشتر و بازرگانان «به امید توسعه‌ی سود کسب و کار خود» بودند. گاهی نیز مثل جنگ چهارم صلیبی محدود به مرزهای داخل اروپا می‌شد و به دنبال جمع غنیمت و ثروت بودند یعنی حمله به قسطنطنیه. در این نبردها تا حدود زیادی چهره‌ها مشخص شد. پاپ‌ها هر کدام در تلاش و جوش حفظ قدرت و موقعیت خود بودند. به افراد وعده‌ی بهشت می‌دادند و به گناهکاران نوید بخشش. از جانب خداوند قضاوت می‌کردند و پیام می‌فرستادند و در پایان جز شکست بهره‌ای نبردند. آغازگران جنگ‌های صلیبی بازنده‌ی اصلی ماجرا بودند نیمه‌ی کلیسای رم، کلیسای قسطنطنیه، فئودال‌ها، شوالیه‌ها فئودالیسم،

ماجرای جوانان و سوداگران. آثار و نتایجی که مسیحیت از اسلام به دست آورد در مرحله بعدی موجبات تحولات عمیق در همه‌ی ابعاد زندگی آنان را فراهم آورد.

نتایج علمی و اقتصادی جنگ‌های صلیبی

نتایج اقتصادی و کشاورزی

در زمینه‌ی اقتصاد و کشاورزی، جنگ‌های صلیبی، تأثیرات عمیق و ماندگاری از خود به جای گذاشت. جنگجویان صلیبی با تعداد زیادی از محصولات کشاورزی و گیاهی آشنا شدند مثل کنجد، ارزن، ذرت، برنج، خربزه، زردآلو، آلبالو، گیلاس، خرما و پیاز و لیمو. بعضی از این محصولات قبلاً در اثر توسعه‌ی مرزهای اسلام، مخصوصاً در اسپانیا توسط آنها شناخته شده بود. برخی دیگر نیز توسط صلیبی‌ها به اروپا برده شد. کلمه‌ی لیمو که لاتین آن همان lemon می‌باشد از طریق مسلمانان نواحی شام و فلسطین و شمال آفریقا به اروپایی‌ها معرفی شد. شاید ریشه‌ی این کلمه از هند یا مالایا بوده باشد اما در میان کشورهای عربی و اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته بود. (دورانت، ۱۳۶۷، ۸۱۶/۴) فیلیپ حتی معتقد است که کلمه‌ی پیاز با بصل همان است که تحریف شده و به صورت shallot درآمده است. پیاز مربوط به عسقلان بوده است. (حتی، ۱۳۴۸: ۳/۲-۸۴۲) کلمه‌ی موسیر نیز از نام بندر صادر کننده‌ی آن یعنی عسقلان به غرب مشتق شده است. تا مدت‌ها غربی‌ها آلوزرد را آلوی دمشق می‌خواندند. (۸۴۳/۱۳۴۸، ۲) نیشکر نیز از جمله محصولات بود که توسط غربی‌ها از مصر به اروپا برده شد. ویلیام صوری (متوفی در ۱۱۹۰م) نیشکر را به عنوان وسیله‌ی بهبود زندگی نامیده است. (نوذری، ۱۳۷۳، ۱۸۰)

دکتر مارتینو ماریو مورینو نیز از تأثیر لباس‌ها و زینت‌های شرقی که از جانب غربی‌ها مورد پسند قرار گرفته بود و نقش شطرنج و اشتغال به آن در میان مسیحیان یاد کرده است. (ماریو مورینو، ۱۹۶۸: ۵۶)

شهرهای اروپایی یکی از مراکز عمده‌ی خرید و فروش محصولات شرقی بودند. مخصوصاً ادویه‌جات و عطر و انواع شیرینی و فلفل و دارچین و هل. این شهرها بازارهای بزرگی تعبیه کردند که وظیفه‌شان فروش انواع محصولات شرقی بود. از طرف دیگر ضرورت حمل و نقل صلیبی‌ها، ایجاب می‌کرد که به تجارت، دریانوردی و بازرگانی اهمیت خاصی داده شود. بنادر ماریسی، جنوا و شهرهای ونیز و قسطنطنیه از مراکز عمده‌ی تبادل کالا و اجاره دادن کشتی و حمل مسافر بودند. (راس، بی‌تا: ۲۲۷/۲) به همین منظور و برای تبادل سریع‌تر به پول و برات نیازمند بودند. ایجاد پول، ارز و استفاده از سکه برای معامله، از جمله دستاوردهایی بود که ابتدا در شرق ایجاد شده بودند. از این رهگذر شرکت‌های بازرگانی ایجاد شد و حتی بهره‌ی پول و ربح به طوری که سوران معبد تا میلیه به جای پول از چک استفاده می‌کردند. (نوذری، ۱۳۷۳: ۱۸۱)

برای اولین بار به تأسیس کنسولگری دست زدند که جنبه‌های بازرگانی آن از جنبه‌های سیاسی بیشتر بود. قدیم‌ترین کنسول‌هایی که در تاریخ از آن یاد شده، کنسول‌های جنوا بودند که در عکا اقامت گزیدند و پس از آن کنسول‌های دیگری از جنوا به مصر فرستاده شدند. (ممتحن، ۱۳۷۰: ۶۶۸/۲)

بنا به نوشته‌ی فیلیپ حتی وقتی در سال ۱۱۰۱ قیساریه به دست مسیحیان افتاد، بیش از ۱۶۰۰۰ رطل فلفل در آن یافت شد. آن را به عنوان غنیمت بردند. مردم آن هنوز نمی‌دانستند چگونه باید از آن ماده استفاده کنند تا اینکه فهمیدند برای جلوگیری از فاسد شدن گوشت و بعضی دیگر از مواد غذایی از فلفل استفاده می‌شده است. همچنین به عنوان طعم‌دهنده و خنک‌کننده معرف قرنفل و ادویه‌ی تند و زنجبیل در طول قرن ۱۲ میلادی در میان مردم اروپا رواج یافت که همگی محصول ارتباطات در اثر جنگ‌های صلیبی بوده است. (ونسکوی، ۲۵۳۵ش: ۹۳۰)

استفاده از چرخ آن که به زبان عربی مأمور گفته می‌شد از همین دوران در اروپا باب شد. در معجم‌البلدان، یاقوت حموی از شهر حماق و بیروت و دمشق یاد کرده، مخصوصاً ممات که به داشتن ناعور زیاد افتخار می‌کردند. (حموی، ۱۹۶۵: ۳۳۱/۴) اروپایی‌ها که از صدای چرخ آب و طراوتی که به هوا می‌داد و جابجایی آب لذت بردند و آن را با خود به اروپا برونند. به کار بردن قطب نما نیز در قرن یازدهم میلادی در ایتالیا رواج یافت که نتیجه‌ی تعامل با مسلمانان و شرقی‌ها بوده است. (حتی، ۱۳۴۸: ۸۴۶/۲)

نتایج علمی و ادبی

شاید یکی از درخشان‌ترین نتایج جنگ‌های صلیبی جابجایی بعضی از علوم از شرق به غرب بوده است. گاهی نیز از غرب به شرق، علوم مختلف سرایت می‌کردند. علم به مرزهای طبیعی و سیاسی، خود را وابسته نمی‌کند. در سده‌های پس از رنسانس، همان علومی که طی جنگ‌های صلیبی به غرب رفت، پس از باروری دوباره به شرق فرستاده شد یا اینکه شرقی‌ها آن‌ها را آموختند. ممتحن در این زمینه می‌نویسد:

«ادلارد آو باث در اوایل قرن دوازدهم با مسافرت به انطاکیه و طرسوس، بعضی مؤلفات عرب را در زمینه‌ی هیأت و هندسه به لاتین ترجمه کرد. یک قرن پس از آن لئونارد ویبوناتشی به مصر و سوریه سفر کرد و نخستین اروپایی بود که در مورد علم جبر کتاب نوشت، و نیز او بود که اعداد جذری خود را به فدریک دوم اهدا کرد. استفان انطاکی از مردم پیزای ایتالیا، کتاب معروف طب (ملکی یا کامل الصناعه) علی بن عباس مجوسی را که مشتمل بر مسائل نظری و عملی طب است به سال ۱۱۲۷ میلادی در انطاکیه ترجمه کرد. این تنها کتابی است که مسیحیان صلیبی با خود به اروپا برده‌اند.» (ممتحن، ۱۳۷۰: ۶۶۶/۲)

اگرچه اروپائیان در زمینه‌ی نظامی شکست خوردند، اما در زمینه‌ی فکری و علمی و فرهنگی دستاوردهای زیادی داشتند. آن‌ها با آموختن زبان عربی به منابع علمی دست پیدا کردند و رفته رفته با ترجمه‌ی آنها به زبان‌های اروپایی به رازهای علمی در زمینه‌ی طب، نجوم، فلسفه، الهیات، هندسه، هیأت، جبر، ریاضی و سایر علوم دست یافتند. این اقدامات مقدمه‌ای بود برای رنسانس. تأثیر پذیری محافل اروپایی از فرهنگ اسلامی و شرقی سبب شد تا آنچه که در تمدن یونان از بین رفته بود و به شرق سرایت کرده بود، این بار از شرق به غرب برود و در آنجا بسیار مورد توجه قرار بگیرد و رشد بی‌نظیری بیابد.

صنعت چاپ، باروت، اسطرلاب و قطب نما از طریق مسلمانان به اروپا در طول جنگ‌های صلیبی انتقال یافت. (روسو، ۱۳۴۱: ۶-۱۵۳) برای نخستین بار فلسفه‌ی ارسطویی از طریق بیزانس و خرد گرایی ابن رشد از طریق سیسیل و اندلس وارد دنیای مسیحی شد. (اولیری دلیسی، ۱۳۴۲: ۸۵) کلیسای رم بر این باور بود که ورود فلسفه و اندیشه‌های باستانی به ضعف و فتور در دیانت منجر می‌شود. اما در دوره‌ی آکونیاس (عصر اسکولاستیک) اعلام شد که بنیاد مسیحیت چنان محکم است که استدلال‌های علمی و فلسفی قادر نخواهند بود خللی در آن وارد کنند. (برنال، ۱۳۵۴، ۲/۲۴۹) همین امر سبب نفوذ رشته‌های علمی در میان مسیحیان گردید.

در زمینه‌ی بهداشت نیز، صلیبیون ساخت گرمابه را از مسلمانان آموختند. حال آنکه در دوره‌ی روم و یونان ساخت گرمابه‌های سرد و گرم معمول بوده است اما با ورود مسیحیت با گرمابه مخالفت شد، در نتیجه ساخت آن ممنوع گردید. (دورانت، ۱۳۶۷: ۸۱۷/۴)

در مورد دخول کتاب‌های شرقی به دنیای مسیحیت یک نمونه قابل ذکر است: فیلیپ طرابلسی در سال ۱۲۴۷ یک نسخه‌ی دست‌نویس به نام سرالاسرار یافت که خیال می‌کرد از نوشته‌های ارسطوست. این کتاب خلاصه‌ای از حکمت عملی و علوم مخفی

بود. آن را به زبان لاتین ترجمه کرد و تا پایان قرون وسطی جزء کتاب‌های محل رجوع علاقمندان بوده است. (ممتحن، ۱۳۷۰: ۶۶۶/۲)

در زمینه‌ی ادبیات نیز جهان صلیبی بی‌تأثیر از شرق نبود. از جمله بعضی داستان‌های دینی مثل داستان خاص که مسیح در شام آخر به کار برده، از سوریه منشأ گرفته بود و به غرب رفت. همین طور است قصه‌ی خادم که شوستر انگلیسی نوشته و یکی از قصه‌های هزار و یک شب است. بوکاچیوی ایتالیایی بسیاری از داستان‌های شرقی را که از دهان مردم شنیده بود در کتابی به نام دو کامرون جمع آوری کرد و نوشت. ریموند لیل از مردم کاتالونی اولین اروپایی بود که مطالعات شرقی را در میان مردم تبلیغ کرد. او در میرامار مدرسه‌ای تأسیس کرد که زبان عربی را به راهبان می‌آموخت. در نتیجه‌ی کوشش‌های همین شخص بود که در سال ۱۳۱۱ شورای وین تصویب کرد که در مراکز دانشگاهی زبان عربی و تاتاری آموزش داده شود و مراکزی برای آن بر پا کردند. سپس در دانشگاه‌های پاریس و لوون و سالامانک نیز مراکز مشابهی تأسیس گردید. (ممتحن، ۱۳۷۰: ۶۶۷/۲) در جهان مسیحیت برخورد به سرچشمه‌های علمی و فلسفی مسأله‌ی جدیدی بوده اما با جدیت دنبال آن را گرفتند و همراه با اضمحلال قدرت‌های سیاسی و اقتصادی در شرق، شاهد اوج‌گیری مطالعات علمی در غرب می‌توان بود.

نتایج اجتماعی

در زمینه‌ی نتایج اجتماعی شاید بتوان به تأثیرهای غیر مستقیم آن توجه کرد. نتایج اجتماعی، اثر خود را خیلی زود نشان نداد زیرا تغییر بعضی از باورها کار آسانی نبود، اما کارآیی و نو بودن اندیشه‌ها و روابط اجتماعی و آداب و سنت‌ها و قرارها و قراردادهای می‌توانست اثرات مهمی داشته باشد. نودری نوشته است:

«آمیزش دو قوم شرق و غرب، تأثیر اجتماعی فراوانی در پی داشت. سلیقه‌های تازه‌ای که مردم اروپا از ملل شرق گرفتند تنها به غذا محدود نمی‌شد، بلکه در لباس، آرایش ظاهر و اثاث منزل نیز اقتباس‌هایی صورت گرفت. صلیبیان گلیم و قالی و جاجیم‌های گلدار را که قرن‌ها در آسیای غربی و میانه رواج داشت، با خود به اروپا بردند. پارچه‌های موصلی، بغدادی، دمشق و اطلس و مخمل، مورد استقبال فوق‌العاده‌ی اروپائیان قرار گرفت.» (نوذری، ۱۳۷۳: ۱۸۱)

دولاندلن که کمترین نتایج را برای جنگ‌های صلیبی قائل است، معتقد است: «در نتیجه‌ی این جنگ‌ها، اروپایی‌ها با کشورهای شرقی آشنایی بیشتری پیدا کردند، گذشت و اغماض آنها بیشتر شد.» (دولاندلن، ۱۳۷۰، ۴۶۷/۱) این تأثیری است که بلند مدت بود و بر جهان‌بینی و امور اجتماعی مسیحیان، به جای ماند. آینه‌های شیشه‌ای به جای آینه‌های فولادی، استفاده از لباس‌های پشمین و پشم شتر و پوست‌های نرم و تسبیح، توسط جنگ‌های صلیبی به سرزمین‌های اروپایی راه یافت. (حتی، ۱۳۴۸، ۵۶۱/۱) بنا به نوشته‌ی فیلیپ حتی، رسم نگاه داشتن ریش در میان مسیحیان از همین زمان معمول شد. (۸۴۴/۱) حال آنکه ویل دورانت معتقد است که تراشیدن ریش را اروپایی‌ها از مسلمانان آموختند. (دورانت، ۱۳۶۷: ۸۱۹/۴) گوستاولوبون معتقد است که استفاده از اسلحه، لباس‌های خاص و مسکن و آرایش و تزئیناتی که در مشرق زمین متداول بود در میان اروپائیان رواج یافت. (امیرعلی، ۱۳۴۱: ۴۳۴) بنابراین در امور مختلف اجتماعی، هر کجا که امکانی برای استفاده از ابزار و وسیله‌های شرقی یا مدل‌های شرقی بوده، اروپائیان از آن استفاده کرده‌اند. شاید به آن دلیل که حتی برای آن‌ها نو بوده و جنبه‌ی مدرنیسم داشته است یا به عنوان پدیده‌ای که دیگران فاقد آن بوده‌اند. به هر حال نمی‌توان نادیده گرفت که تأثیر و تأثرهای اروپائیان و مسلمانان از یکدیگر داشته‌اند، اما این روند توسط اروپایی‌ها بیشتر به کار گرفته شده بود.

نتایج دینی و سیاسی

نتایج سیاسی

علی‌رغم آن که بعضی از پژوهشگران معتقدند هیچ نتیجه‌ی سیاسی از جنگ‌های صلیبی حاصل نشد، دارای ابعاد گسترده‌تری بود. به این مفهوم که از اقتدار سنت ملوک‌الطوایفی و نفوذ فئودال‌ها کاسته شد. در ایتالیا و فرانسه مردم به سمت و سوی رفتند که با منافع فئودال‌ها سازگار نبود، سردارانی که در جنگ‌های صلیبی شرکت کردند، برای تأمین مخارج جنگ، زمین‌های خود را فروختند یا آنچه که در روستاها داشتند به اجاره دادند و با توجه به اینکه از جنگ هم بهره‌ی زیادی نبرده بودند، در بازگشت، اختیارات خود را از دست دادند. آنها بهره‌ی مالکانه یا حقوق مالکانه و امتیازاتی در دست نداشتند. نتیجه این شد که حکومت‌های محلی یا حکومت‌های کوچکی پدید آمدند که مستقیماً تحت نظارت مرکز و پادشاه بودند. با رها شدن آبادی‌ها و روستاها و حتی شهرها از چنگ حکومت فئودالی، بر قدرت و نفوذ پادشاهان افزوده شد. (لوبون، ۱۳۷۶: ۴۲۳)

فرانسه که در طول جنگ‌های صلیبی از خود بسیار مایه گذاشته بود و در همه‌ی جنگ‌ها حضوری فعال داشت، در مشرق و منطقه‌ی شام و فلسطین، سرزمین‌ها و منافع بدست آورد که سلطه‌ی او را تا قرن‌ها بعد به دنبال داشت. آموزش زبان فرانسه رواج پیدا کرد و به همین دلیل مردم غرب را فرانک یا فرنگی می‌نامیدند. زبان فرانسه در قبرس، شام، ارمنستان و یونان و لبنان بر سایر زبان‌ها برتری یافته بود. (ماله، ۱۳۴۳: ۲۷۰/۲)

زمینه‌ای که در اثر جنگ‌های صلیبی برای حکومت‌های مطلقه و از بین رفتن نظام سرواژ بوجود آمده بود، در واقع تبدیل، یکی از مهمترین نتایج یعنی زوال فئودالیسم گردید و جای شگفتی است که نویسندگی محترم در آغاز می‌نویسد هیچ نتیجه‌ی

سیاسی از آن عاید نگردید. نتیجه‌ی دومی که به طور ضمنی از آن حاصل شد و نویسنده اشاره کرده است، رشد شهرها و از میان رفتن روستاها بود که به شهرنشینی و سرانجام ایجاد نظامات سیاسی جدید منتهی گردید. نتیجه‌ی سوم، ایجاد شاهنشاهی‌های جدید و سلطنت‌هایی با امکانات فراگیر بوده است که خود موجب تغییرات عمیق در نظام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی گردید. به همین منظور سایر نتایج متأثر از تأثیرات سیاسی در ذیل مورد توجه قرار می‌گیرند.

نتایج مذهبی

آنچه را که پاپ‌ها به پیروانشان وعده داده بودند یعنی نجات بیت‌المقدس از دست مسلمانان، در جنگ‌های صلیبی محقق نگردید. این یکی از بزرگترین و ماندگارترین نتایج دینی جنگ‌های صلیبی می‌تواند به حساب آید. در کنار این نتیجه‌ی مهم که بر سایر نتایج نیز تأثیر گذاشت، ایجاد عقاید جدید به ویژه در فلسفه، کلام و تغییر نگاه مردم نسبت به مذهب و جایگاه کلیسا، از دست آوردهای جنگ‌های صلیبی بود. تحولات بعدی در اروپا که نتیجه‌ی شکست کلیسا و وعده‌های دروغین آنها بود، اثرات خود را بر ذهن روشنفکران و متفکران، قبل از توده‌ی مردم به جای نهاد. اما در مرحله‌ی بعد، تا حدودی مردم بودند که متوجه وعده‌های دروغین شده بودند. مهمتر از همه این بود که پاپ‌ها اینگونه وانمود می‌کردند که این وعده‌ها وعده‌های الهی است و کلیسا واسطه و رابط مردم با خداست و این اراده‌ی اوست که بر زبان کلیسائیان و پاپ‌ها و اسقفان و کشیشان جاری شده است.

در هیچ یک از کتاب‌های مربوط به جنگ‌های صلیبی تیتراستقللی مربوط به نتایج دینی مشاهده نمی‌شود. اما از نتیجه‌ی نوشته‌ها می‌شود فهمید که مسیحیت دچار تشنگی بیشتر گردید. قدرت کلیسا در میان مردم رو به نقصان گذاشت. کلیسای بیزانس از واتیکان به طور رسمی و جدی جدا گردید و استقلال خود را بازیافت. رابطه‌ی بین مسیحیان اروپا

و اورشلیم و بیت‌المقدس رو به ضعف نهاد. ادعاهای واهی که به بن بست رسیده بود، خریدارانی نداشت و مسیحیت در مرزهای مسلمانان متوقف گردید.

اما از سوی دیگر در سرزمین مسلمانان جنگ‌های صلیبی نتایجی به وجود آورد و آن از میان رفتن بعضی از سلسله‌ها مثل سلسله‌ی ایویان بود. این سلسله که سپر مسلمانان به حساب می‌آمد در برخورد با صلیبی‌ها خوب درخشید و صلاح‌الدین ایوبی اگرچه نتوانست جهان اسلام را در برابر مسیحیان متحد کند، اما توانست آنها را در کنار بیت‌المقدس شکست دهد و چند شهر از شهرهای مهم مسلمانان را از بردگی در برابر مسیحیان نجات دهد. از دیگر نتایج غیر مستقیم دینی جنگ‌های صلیبی، کم شدن قدرت فاطمیان مصر بود، همچنین خلفای عباسی از جنگ‌ها آسیب‌های کمتری دیدند و ماندگاری آنها برای مدت کوتاهی پس از آن تاریخ یعنی تا سال ۶۵۶ قمری ادامه یافت. در این زمان بدست مغول‌ها بود که خلافت عباسی در بغداد از میان رفت. (جوینی، ۱۳۷۰: ۱۱۸/۳)

نویسندگان اروپایی بدون اینکه تیرتی تحت عنوان نتایج مذهبی جنگ‌های صلیبی بنویسند، ضمن بحث در مورد تحولات قاره‌ی اروپا در اواخر قرون وسطی به تنزل جایگاه کلیسا و ایجاد شک در میان مردم اشاره کرده‌اند. بدین ترتیب:

«افزایش نارضایتی از کلیسا، در قرون چهاردهم و پانزدهم بسی چیزها روی داد که اقتدار کلیسا را ناتوان کرد و مردم را واداشت تا درباره‌ی آموزش‌های آن به پرسشهای ناخوشایند برخیزند. یکی همان مسأله‌ی شقاق کبیر یا تقسیم کلیسا بین دو پاپ هم چشم بود.

پاپ کلمنس پنجم، که فرانسوی بود در روم نمی‌زیست بلکه در آوینیون نزدیک مرز فرانسه به سر می‌برد. از آن پس نزدیک به هفتاد سال پاپ‌ها در آوینیون خانه گرفتند، و کم و بیش زیر نفوذ پادشاهان فرانسه قرار داشتند. این گرفتاری که به «اسارت بابلی» مصطلح شد خود به اندازه‌ی کافی رسوایی آور بود. بنابراین به سال ۱۳۷۶ [میلادی]

گرگوریوس یازدهم بر آن شد که همراه هیأت کاردینالها به روم بازگردد. اما رسوایی بدتری پدید آمد. کاردینالها با پاپ بعدی یعنی با اوربانوس ششم به کشاکش افتادند و او را خلع کردند و پاپی دیگر به نام اوربانوس هفتم برگزیدند و همراه او به آوینیون بازگشتند (۱۳۷۸). اوربانوس هیأت دیگری از کاردینالها برگماشت و خود در روم باقی ماند. تا سی و نه سال بعد همچنان دو پاپ بر مسند می‌نشست، یکی در روم و دیگری در آوینیون و هر یک خود را به حق، قائم مقام مسیح و سرپرست حقیقی کلیسا می‌پنداشت. (دنکاف، ۱۳۸۰: ۶-۲۰۵)

این شکاف دیگری بود که در میان مسیحیان اتفاق افتاد یعنی حتی کلیسای روم نتوانست به دوران قدرت گذشته خود در غرب اروپا و در ایتالیا بازگردد. در اثر این شکاف قدرت فئودالها نیز ضعیف شد و پادشاهان در کشورهای اروپایی قدرت گرفتند. یکی دیگر از نتایج دینی جنگ‌های صلیبی، ورود افکار جدید در میان مردم اروپا بود که متأثر از مسلمانان بودند. آنها زبان عربی را فرا گرفتند و از رهگذر این آموزش به منابع مسلمانان دست یافتند و در علوم و مباحث دینی، و علمی رشد و شکوفایی خود را آغاز کردند. (بیگدلی، ۱۳۸۴: ۱۵۸) سرانجام نیز به عنوان یکی دیگر از نتایج جنگ‌های صلیبی در حوزه‌ی دینی به ظهور فرقه‌های جدید اشاره می‌شود:

«بسیاری از مسیحیان معتقد بودند که کلیسا بیش از اندازه به ثروت و قدرت خویش توجه دارد، و افکار شرک آلود رسمی که کلیسا رسماً تأیید نکرده، زیاد شده است. مسیحیان کوشیدند با ایجاد فرقه‌های جدید مذهبی، کلیسا را اصلاح کنند. به اعضای این فرقه‌ها برادر می‌گفتند. برای مثال قدیس فرانسیس آسیزی در ۱۲۰۹م فرقه‌ی فرانسیسکان را تأسیس کرد. فرانسیس مشرب‌ها در شهرهای ایتالیا و شمال غربی اروپا به فقیران و نیازمندان خدمت می‌کردند. قدیس دومینیکوس در ۱۲۱۶م برای تبلیغ علیه کفر و آموزش طلاب، فرقه‌ی دومینیکان را تشکیل داد.» (آبراهامز و دیگران، ۱۳۸۲:

زوال فتودالیسم

مسیحیان پس از طیّ دورانی طولانی و جنگ‌های چندگانه، در امور نظامی به نتایج درخشانی دست نیافتند. اما در کنار آنها دو پدیده به وجود آمد که وضع زندگی اجتماعی و سیاسی را در اروپا تغییر داد:

۱. کم شدن قدرت فتودال‌ها

۲. کم شدن تسلّط و نفوذ کلیسا

این دو تأثیر هر کدام به نتایج مهمّ دیگری تبدیل شدند. جنگجویانی که به اروپا بازگشتند، دیگر حاضر نبودند تن به اصول فتودالی حاکم بدهند. وعده‌های پاپ، پوچ از آب درآمده بود و دانستند، خدا به آنها کمک نکرده است، حال آنکه پاپ وعده‌ی آن را داده بود. فتودال‌ها نیز، ثروت و نیروی کارشان تقلیل رفته بود، در نتیجه، پادشاهان قدرت بیشتری به دست آوردند.

رشد بورژوازی

در کنار مسیحیت کلیسا و فتودال‌ها، طبقه‌ی جدیدی به وجود آمد و قدرتمند گردید که این ثروتمندان شهرنشین بودند. رواج تجارت در شهرها، رشد بازرگانی و تجمع ثروت از طریق خرید و فروش و تجارت سبب گردید که فتودالیسم تحت تأثیر قرار گیرد. این بار شهرها بودند که مرکز مهمّ زندگی و کسب سود به حساب می‌آمدند. طبقه‌ی جدید از پادشاهان در مقابل کلیسا و فتودال‌ها حمایت می‌کردند. بورژوازی از قدرت‌های بزرگتری که بتواند امنیّت و رفاه او را تأمین کند، بیشتر حمایت می‌کرد.

اختلاط نژادی

در اثر اختلاط نژادی که یکی از نتایج جنگ‌های صلیبی بود، قشرها و فرقه‌های جدیدی به وجود آمدند مثل فرقه‌ی مارونی که در حوالی سوریه و شام و فلسطین به وجود آمد. علّت این اختلاط روشن است. گروهی از اروپائیان به عنوان برده یا غلام و اسیر در

حوالی شام باقی ماندند، گروهی پس از آنکه در اروپا ثروت و خانه خود را از دست داده بودند به صورت دلخواه به حوالی شرق مدیترانه مهاجرت کردند تا از ثروت و موقعیت شهرهای آباد آن استفاده ببرند. در میان آنها افرادی بودند که دارای افکار مسیحی بودند و به تبلیغ و توسعه‌ی عقاید خود پرداختند. در این زمینه افکار مسیحی در حوالی ذکر شده قدرت گرفتند. زنان و کودکانی که توسط ممالیک بحری به مسلمانان فروخته شدند (مکی، ۱۹۷۹: ۲۰۶) نیز در اثر زاد و ولد در نسل‌های بعدی تبدیل به یک جمعیت نو ظهور شده بودند. (دورانت، ۱۳۶۷: ۷۹۸/۴) یکی از فرض‌هایی که بر اثر اسکان و اختلاف قوی شد، مارونی‌ها بودند:

«فرقه‌ی مارونی منسوب است به مار مارون (کیتس مسیحی که در قرن چهارم و پنجم میلادی در شمال غربی سوریه می‌زیسته است) آنها در اصل از منشعبین روم شرقی هستند که قبل از اسلام در مناطق شمالی سوریه ساکن بودند و در پی درگیری‌های فرقه‌ای به شمال لبنان آمدند. در جنگ‌های صلیبی، مارونی‌ها از یاوران صلیبی‌ها به شمار می‌آمدند. (ناصری طاهری، سال سوم، شماره ۱۱) از آنجا که بیشتر صلیبی‌ها از شمال فرانسه بودند. (مکی، ۱۹۷۹: ۲۰۷) لذا در سال ۶۴۸ هـ (۱۲۵۰ م) پیمان مودت میان مارونی‌ها و یومی نهم منعقد شد.» (ناصری طاهری، ۱۳۷۴: ۹۸)

بعضی از این فرقه‌ها تا قرن‌ها پس از جنگ‌های صلیبی در منطقه‌ی شامات و لبنان و فلسطین باقی ماندند و تحولات سیاسی بعدی را یا به وجود آوردند و یا در آنها نقش داشتند.

نتیجه گیری

جنگ‌های صلیبی نزدیک به دو قرن، دو فرهنگ، دو آئین و سه قاره را با مشکلات و پیچیدگی‌های خود درگیر کرد. در پایان نتایج و آثاری از خود به جای گذاشت. نتایج جنگ، یعنی اگرچه جنگ‌های صلیبی نتایجی مستقیم و غیر مستقیمی داشت، اما از آن نتایج نیز نتایج دیگر به دست آمد که عبارتند از: زوال فئودالیسم، انحطاط قدرت کلیسا، سر برآوردن حکومت‌های مطلقه‌ی پادشاهی، و سقوط بیزانس.

هنوز در میان پژوهشگران غربی این عقیده وجود دارد که جنگ‌های صلیبی متعلّق به جهان مسیحیت بوده و جهان مسیحیت گویا از اثر زخم‌های آن روزگار خود را رها نمی‌بیند. حال آنکه اگر در زمینه‌ی نظامی، جهان غرب و مسیحیت دستاورد مهمی نداشت که بتواند به طور زمان‌دار آن را حفظ کند، در زمینه‌های مختلف دیگر از جمله در زمینه‌ی علمی، فرهنگی، صنعتی، ادبی، سیاسی و اجتماعی، نتایجی به دست آورد که جهان غرب را متحوّل کرد. در زمینه‌ی اقتصادی و کشاورزی جنگجویان صلیبی با تعداد زیادی از محصولات کشاورزی و گیاهی آشنا شدند و برخی از این محصولات توسط صلیبی‌ها به اروپا برده شد. از نظر علمی و ادبی می‌توان گفت که شاید یکی از درخشان‌ترین نتایج جنگ‌های صلیبی جابجایی بعضی از علوم شرق به غرب بوده است. گاهی نیز از غرب به شرق علوم مختلف سرایت می‌کردند. اروپائیان با آموختن زبان عربی به منابع علمی سایر علوم دست یافتند. علومی که در یونان و رم به واسطه‌ی مسائل تاریخی و سیاسی و اقتصادی به دست فراموشی سپرده شده بود و به جهان اسلام و مشرق زمین رخنه کرده بود، این بار پس از پختگی و افزودگی مسلمانان به آن به غرب رفت و خود سبب ایجاد زمینه‌های مؤثر در رشد و گسترش علوم گردید. صنعت چاپ، باروت و اسطربلاب و قطب نما از طریق مسلمانان به اروپا در طول جنگ‌های صلیبی انتقال یافت. از نظر سیاسی اقتدار سنت ملوک‌الطوایفی و کاسته شدن

نفوذ فئودال‌ها بود و همچنین از بین رفتن روستاها و رشد شهرنشینی و ایجاد شاهنشاهی جدید با امکانات فراگیر. از نظر دینی ایجاد عقاید جدید در فلسفه، کلام و تغییر نگاه مردم نسبت به مذهب و جایگاه کلیسا بود.

تمام مراکز قدرت که شروع‌کننده‌ی جنگ بودند، قدرت و نفوذ خود را در پایان جنگ از دست دادند و این سبب شد که نظام‌های سیاسی و اجتماعی نوین جایگزین آنها بشود. این مراکز قدرت به طور مشخص عبارتند از:

کلیسای رم، کلیسای ارتدوکس قسطنطنیه، فئودال‌ها و زمینداران سنتی اروپا و روستاهای قرون وسطایی رواج شهرنشین و زایش یک طبقه‌ی جدید به نام بورژوازی که ثروتمندان شهرنشین به حساب می‌آمدند از جمله نتایج غیر مستقیم جنگ‌های صلیبی به حساب می‌آید. تقدّس مآبی و ادّعاهای انسان دوستانه‌ی مسیحیان در جنگ‌ها رنگ باخت و چهره‌ی واقعی خود را نشان داد. قشرها، گروه‌ها، طبقه‌ها و قدرت‌ها بنا بر منافع و چشم اندازهای آتی خود به مسأله‌ی جنگ برخورد کردند و نتیجه‌هایی که به دست آمد، هیچکدام آن نتیجه‌هایی نبود که قرار بود بنا بر اهداف آنان بدست بیاید.

منابع

- امیرعلی، (۱۳۴۱)، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه: فخر داعی گیلانی، تهران: انتشارات گنجینه.
- اولیری، دلیسی، (۱۳۴۲)، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه: حسن آرام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- برنال، جان، (۱۳۵۴)، علم تاریخ، ترجمه: محسن ثلاثی و دیگران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیگدلی، علی، (۱۳۸۴)، تاریخ اروپا در قرون وسطی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- جوینی، عظاملک، (۱۳۷۰)، تاریخ جهان‌گشای جوینی، تصحیح: محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران: انتشارات ارغوان، جلد ۳، چاپ ۴.
- حتی، فیلیپ خلیل، (۱۳۴۸)، تاریخ عرب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات آگاه.
- دنکاف، فردریک و کارل.ل.بکر، (۱۳۸۰)، سرگذشت تمدن، ترجمه: علی محمد زهما، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دولاندلن، شارل، (۱۳۷۰)، تاریخ جهانی، ترجمه: احمد بهمنش، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دورانت، ویل، (۱۳۶۷)، تاریخ تمدن، عصر ایمان، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، جلد ۴، بخش دوم، چاپ دوم.
- دروتی آبراهامز و دیگران (۱۳۸۲)، تاریخ تمدن و فرهنگ جهان، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات طرح نو.
- راس، ئی، دان، (بی‌تا)، تاریخ تمدن و فرهنگ جهان، پیوندهای فرانسوی زمان و مکان، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات طرح نو، جلد ۲.

- روسو، پی، یر، (۱۳۴۱)، تاریخ صنایع و اختراعات، ترجمه: حسن صفاری، تهران: کتابهای جیبی.
- گوستاولویون، (۱۳۷۶)، تاریخ و تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سید هاشم تهرانی، تهران: نشر اسلامی، چاپ ۳.
- ماله، آلبر، (۱۳۴۳)، ترجمه: زیرک زاده، تهران: کتابفروشی اقبال، جلد ۲.
- مارتینیو، ماریومورینو (۱۹۶۸)، المسلمون فی صقلیه، لبنان: منشورات الجامعه اللبنانیه.
- مکی، محمد علی، (۱۹۷۹)، لبنان من الفتح العربی الی الفتح العثماني، دارالنهار للنشر.
- ممتحن، حسنعلی، (۱۳۷۰)، کلیات تاریخ عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، جلد ۲، چاپ ۲.
- نوذری، عزت الله، (۱۳۷۳)، اروپا در قرون وسطی، شیراز: انتشارات نوید.
- ونسکوی، آلیالوآ، (۲۵۳۵)، تاریخ سده‌های میانه، ترجمه: رحیم رئیس نیا، تهران: انتشارات پیام.
- یاقوت حموی، ابوالفداء اسماعیل بن علی، (۱۳۴۹)، تقویم البلدان، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.